

گزارش کوتاهی از برگزاری سده ی مشروطیت در استکهلم



سمینار سده ی مشروطیت به ابتکار «گروه لیبرال دموکرات ایران» در ساعت 19.00 سوم شهریورماه 1385 خورشیدی برابر اول سپتامبر 2006 در استکهلم - سوئد تشکیل شد.

با وجود آن که برگزارکنندگان این همایش از نخستین کسانی بودند که به فکر تدارک بزرگداشت از این روز و پاسداری از دستاوردهای مشروطیت بودند موفق به برگزاری این جلسه در 14 مرداد نشدند زیرا در آن روزها سوئد در تعطیلات تابستان به سر می برد؛ شاهد مدعا اصطلاح «سده ی مشروطیت» است که برای نخستین بار در سامانه ی «ایران لیبرال» به کار برده شد و شادمانیم که باب گردید.

در این همایش نخست سرود ملی ایران نواخته شد و پس از آن آقای حسن بهگر به نمایندگی از «گروه لیبرال دموکرات ایران» ضمن خوشامدگویی به حاضران طی سخنانی گفت:



«از تاریخ می توان برداشت های گوناگون داشت اما خط مشروطیت خط آزادی است و ازادیخواهان واقعی بحق وارثان آن بشمار می روند. امروز سخنرانان محترمی که منت گذاشته و به این همایش تشریف آورده اند و ما افتخار شنیدن سخنانشان را خواهیم داشت؛ طبیعی است با وجود اختلاف نظرهای بسیاری که موجود است تصور می کنم کماکان نقاط مشترکی دارند که ما و آنان را به جنبش مشروطیت پیوند می دهد و آن دموکراسی و آزادی و استقلال ایران است، بکوشیم تا این پیوند را مستحکم تر کنیم.»

سپس جلسه با سخنرانی آقای شاهنده و ریاست جلسه آقای رامین کامران آغاز بکار کرد.

آقای علی شاهنده از مبارزان نهضت ملی و حقوقدان در سخنان خود گفت :



« روشنفکران آزادیخواه و تجدد طلب بودند و در پی ایجاد تحول در جامعه در جهت بیرون رفت از جهل و فقر و عقب افتادگی و آزادی عقیده و بیان و فعالیت سیاسی – اجتماعی را داروی دردهای جامعه می دانستندو استبداد شاهی و دخالت رهبران دین و مذهب را در امور حکومت و دولت هم ناپسامانی حکومت و هم بی اعتباری دین و مذهب می دانستند. ولذا دو دشمن آشکار و مقتدر داشتند یکی شاه که به خودکامگی استبداد خود هم عادت داشت و هم حق خود می دانست و دیگری رهبریت دینی و مذهبی که خود را شریک و همپای قدرت می دانست و گاه شریک قوی تر چه یک پا در دربار داشت و یک پا در توده ها و توده ها را برای مقاصد دنیایی خود از مقام و ابزار زندگی مجلل و پرشکوه بهره می جست و تبلیغ اطاعت و تعبد و تقلید می کرد و آزادی را کلمه « قبیحه» می خواند و قدرت سرکوبی نیز در اختیار این دو بود و در اعمال آن هیچ تردید و تزلزلی راه نداشت . لذا طیف روشنفکران که نه امکان فعالیت علنی نه تشکیل حزب و گروه و نه داشتن سخنرانی اجتماعی یا امکان انتشار علنی نظریات خود نداشتند و همچنین فاقد قدرت مقابله با نیروهای سرکوبگر بودند.

اما مبارزه با آنان در راه بدست آوردن آزادی همواره در جامعه ایرانیان چه در درون و چه در خارج از ایران بوده به وسیله نشریات حضور داشت . شعار اصلی خواست آنان پایان دادن به استبداد و قانونمند کردن جامعه بود. قانونی کردن جامعه بود که عنوان « مشروطیت » بدان نهادند.

و سپس حاضران پرسش های خود را مطرح کردند.

دکتر منصور بیات زاده از « سازمان سوسیالیست های ایران» دومین سخنران این روز بود و چنین گفت :



« رهبران مذهب شیعه همچون رجال سیاسی ایران چون با زبان های اروپائی کوچکترین آشنائی نداشتند، اصولاً نمی دانستند کدام نظرات و عقاید و افکار و اندیشه ها نقش محوری و تعیین کننده ای در تغییرات آن جوامع ، داشته است. تغییراتی که سبب شد ند تا

پادشاهان مستبد و فاسد آن جوامع، همان پادشاهانی که با کمک رهبران مذهبی مسیحیت و نهاد کلیسا، برای حکومت خود همچون پادشاهان مستبد و فاسد ایران، «مشرعیت الهی» قائل می شدند، سرنگون شوند. آن حضرات نمی دانستند و یا نمی خواستند قبول کنند که مبارزات مردم جوامع اروپائی، «حوزه فعالیت مذهب و دین» را از «حوزه فعالیت حکومت» جدا کردند. در واقع با آن عمل خود، وضعیتی در آن جوامع بوجود آورده بودند تا رهبران مذهبی دیگر نتوانند بخاطر منافع شخصی خود و حفظ نظام استبدادی، از موقعیت خود و «جامه مذهبی» که بر تن داشتند از نام «خدا» سوء استفاده نمایند و به توجیه وضعیت غیر انسانی بپردازند. در حالیکه مردم اروپا پس از سرنگونی رژیم های استبدادی حاکم بر آن جوامع، همچنان طرفدار مذهب مسیحیت باقیماندند و بطور آزاد به عبادت و برگزاری مراسم مذهبی مورد نظر خود پرداختند.

جلسه با پرسش و پاسخ پایان یافت.

روز شنبه دوم سپتامبر همایش با سرود ملی گشایش یافت و آقای حسن بهگر ریاست جلسه را بر عهده گرفت.
آقای دکتر رامین کامران استاد تاریخ معاصر و زبان های شرقی در دانشگاه سوربن در طی سخنان خود گفت:



«اهمیت آزادی از اهمیت عدالت نکاسته است. خلاصه مشروطیت در عدالت است، از شروع دعوا از چوپ خوردن تجار تا دستیابی به قانون اساسی و دموکراسی پارلمان یک خط سیر منطقی دارد، از عدالت قضایی شروع می شود و عدالت حقوقی را دربر می گیرد تا به عدالت سیاسی می رسد، دستاورد اصلی مشروطیت عدالت سیاسی است. تمام تحولات انقلاب مشروطیت در 18 ماه انجام شده است. از یک دعوای ساده و بسیار کوچک قضایی شروع شد و به تغییر نظام انجامید. چرا؟ برای این که مفهوم عدالت برای مردم عوض شده بود. در عدالت سنتی تاکید بر داور یعنی شاه بود. قانون شریعت بود.

هر نظام سیاسی که بر سرکار بیاید خود را مترادف عدالت سیاسی می داند. این عدالت به حکم داور برقرار نمی شود بلکه قدرت سیاسی تعیین می کند. شخص اول مملکت صدراعظم بود این عنوان که شخص اول مملکت شاه است اختراع دوره ی پهلوی است.»

دومین سخنران آقای مهندس منوچهر صالحی نویسنده و از فعالان سابق کنفدراسیون دانشجویی از «شورای موقت سوسیالیست های چپ» بود و چنین آغاز به سخن کرد :



« بحث من عام است و در حاشیه به انقلاب مشروطیت برخورد می کنم . برخورد تاریخی من بینش مادی است. این بینش می گوید تاریخ نوشته شده تاریخ مبارزات طبقاتی است . این مبارزه تاریخی موجب می شود که دولت بوجود بیاید. در ایران پیش از آن که طبقات به وجود بیاید دولت بوجود آمد. در ایران مالکیت خصوصی وجود نداشته است و مالکیت دولتی است. استبداد آسیایی با توجه به تمرکز مالکیت بر اساس زیر ساخت جامعه و آبیاری و امنیت را تامین بنماید تا مازاد را متصرف شده و مصرف کند موجب می شود که دولت قدر قدرت و فرای طبقات قرار بگیرد. این ویژگی تا دوران فتحعلیشاه در ایران وجود داشته است.»

و جلسه با پرسش حاضران و پاسخ ایشان به پایان رسید.

روز یکشنبه ساعت 19.00 همایش با سرود ملی گشایش یافت و آقای هدایت سپهی ریاست جلسه را عهده دار شد.

نخستین سخنران آقای دکتر حصوری استاد سابق زبان شناسی در دانشگاه شیراز در مورد ادبیات عامیانه دوره ی مشروطه گفت :



« بسیاری از تصنیف ها و اشعار عامیانه دوره ی مشروطیت که توده مردم خلق کرده اند جمع آوری نشده است و یا من اطلاعی از آن ندارم . در این ادبیات شاه و شیخ دستمایه اصلی آن هستند . من به ملانصرالدین که به زبان ترکی منتشر می شد نخواهم پرداخت چون روی آن کار بسیار شده است اما دهخدا و عارف و ذبیح بهروز را از سخنگویان این ادبیات عامه می دانم و من امروز کارهایی از استاد عزیزم ذبیح بهروز را انتخاب کرده ام که برای شما خواهم خواند. اما عارف نه تنها توانایی سرودن تصنیف را داشت بلکه توانایی ساختن آهنگ و ملودی را نیز داشت درحقیقت عارف فدای ایران شد.»

آخرین سخنران آقای ناصر کاخساز حقوقدان بود که طی سخنان خود گفتند:



« چرا (هنگامی) که انقلاب اسلامی را رد کردی باید دولت سوسیالیستی را رد کنی؟ چون هر دو آلترناتیو دولت مدرن هستند. اندیشه ی لیبرال را به عنوان اندیشه آزادیخواهی مجاز نیستیم در چارچوب لیبرال ببریم نه اینکه مجاز نیستیم در چارچوب لیبرالیسم ببریم بلکه (در این صورت) روند آن را خراب می کنیم . باید بین اندیشه لیبرال و سوسیال دموکراسی در چارچوب جنبش ملی یک وفاقی بوجود بیاوریم . این تعبیر من نیست بلکه خطوط سوسیال دموکراسی در عمل است. »

یادآوری می کنیم که مشروح سخنان این همایش، به مجرد رسیدن رساله ها و یا پیاده کردن نوار های سخنرانی در اختیار خوانندگان محترم گذاشته خواهد شد.